

" زرتشتیان دیروز ، امروز و فردا "

<http://www.yataahoo.com/Religion/History/History.htm>

تاریخ زرتشتیان با پیدایش اشوزرتشت آغاز می شود . در دوران پادشاهی گشتاسب کیانی زرتشتیان افزایش می یابند . در دوران هخامنشی ، بیشتر پادشاهان و مردمان زرتشتی بودند بدون آن که آیین زرتشت دین رسمی باشد . ساسانیان دین زرتشتی را دین رسمی کشور اعلام نمودند . دین و حکومت هستند که می توانند به یکدیگر نیرو دهند . ولی تاریخ نشان می دهد که هر زمان دین سالاران با کشورمداران یکی شده اند، دین تحریف و حکومت فاسد شده است .

در دوران هخامنشی ، که دین رسمی وجود نداشت و پادشاهان به سایر دین ها احترام می گذاشتند ، ایران زمین مهد آزادی اندیشه بود و آفریننده حقوق بشر شد. در دوران ساسانیان که دین و حکومت یکی شد ، دین در خدمت سیاست درآمد و خرابی دین و حکومت هر دو را باعث گردید !

در سده هفتم ، تازیان بر ایران چیره شدند ، گروهی از زرتشتیان ، زیر فشار تازیان و تعصب ایرانیان تازه مسلمان ، ترک دین کردند و گروهی ، در سده نهم به هندوستان مهاجرت نمودند تا در محیطی آزاد ، فرهنگ دینی خود را پاسداری کنند و به آیندگان بسپارند . گروهی از زرتشتیان که در ایران مانده بودند ، آتش عشق به دین بهی را در کانون سینه و خانواده خود گرم و پر فروغ نگاهداشتند .

یورش سخت تر در دوران استیلای مغول و مغولان به زرتشتیان ، کلیمیان ، مسیحیان و مسلمانان وارد آمد . بسیاری کشته شدند و گروهی به نقاط دور دست پناه بردند تا از ستم و تهدید مغولان در امان بمانند .

در زمان صفویان که اسلام دین رسمی ایران شد ، فشار به غیرمسلمانان شدت گرفت، این وضع تاسف بار در زمان قاجار هم ادامه داشت . در دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار ، پارسیان هند که از بیداد و فشار وارده به همکیشان خود در ایران آگاهی یافتند ، نماینده عالی رتبه به نام مانکجی لیمنجی هاتریا را به ایران فرستادند . او نزد شاه شکایت برد و با پشتیبانی حکومت هند (امپراطوری انگلیس) موفق شد ، از آن فشارها تا حد زیادی بکاهد . از روی نامه های مبادله شده بین مانکجی و ناصر الدین شاه که امروز موجود است ، فشار و تبعیض ظالمانه نسبت به زرتشتیان از جمله شامل موارد زیر بود :

- زرتشتیان مجبور بودند علامت مشخصه ای روی لباس خود بزنند تا از مسلمانان تمیز داده شوند (همانند یهودیان در آلمان نازی)
- زرتشتیان در موقع خرید ، حق نداشتند به اجناس مورد نظر و به ویژه به اغذیه و میوه دست بزنند. زیرا به عقیده مسلمانان آن مواد ، نجس می شد !
- زرتشتیان حق نداشتند در برابر مذهبیون ، سوارچهارپا بمانند و یا در بازار سواره حرکت کنند . (در آن زمان وسیله نقلیه معمولی چهارپا بود)
- زرتشتیان روزهای بارانی نمی بایست بیرون بروند که مبادا خیابان آلوده شود.
- اگر جوانی زرتشتی مسلمان می شد، برادران و خوهران او ، از ارث والدینشان محروم می شدند و همه ارث ، به جوان تازه مسلمان شده می رسید (این کار نسبت به یهودیان هم انجام می شد و وسیله ای بود برای ترغیب و اجبار زرتشتیان و یهودیان به پذیرفتن مذهبی دیگر)

□ هنگامی که يك نفر زرتشتي به دست يك نفر مسلمان كشته مي شد ،مسلمان قاتل قصاص نمي شد و تنها مي بایست خون بها (ديه) به وارث مقتول زرتشتي بپردازد و به این ترتیب مسلمانان از ریختن خون زرتشتیان ترس نداشتند .

با پا در میانی مانکجی و پشتیبانی دولت هند انگلیس ، ناصرالدین شاه دستور داد تا پاره ای از این موارد اصلاح شود و از فشار و بیداد کاسته گردد . در جریان انقلاب مشروطیت ایران که منجر به پدید آمدن قانون اساسی 1906 شد ، گروهی از زرتشتیان به مشروطه طلبان یاری دادند .
اردشیر جی ریپورتر سومین نماینده پارسیان در ایران که استاد مدرسه علوم سیاسی هم بود در آموزش اصول دموکراسی و آزادی به دانشجویان و همراهی بامشروطه طلبان و رجال آزادی خواه ایران ، موثر بود . زرتشتیان چند تن کشته دادند و سر انجام توفیق یافتند در مجلس شورای ملی کرسی برای زرتشتیان و سایر اقلیت های مذهبی تأمین نمایند .

امروز

از سال 1950 عده ای از پارسیان هند ، در طلب زندگی بهتر و فرصت های فرهنگی و اقتصادی امیدبخش تر ، به اروپا و آمریکا آمدند . پس از انقلاب 1979 ایران هم عده ای از زرتشتیان ایران به آمریکا ، اروپا ، کانادا ، استرالیا و دیگر کشورها مهاجرت کردند . در حال حاضر ، زرتشتیان مقیم این قاره ها اجتماعات و انجمن هایی برای حفظ سنت های فرهنگی و مذهبی خود تشکیل داده اند . در آمریکا ، کانادا و استرالیا به همت و سرمایه ایرانی زرتشتی رستم گبو در ده مل ، مراکز زرتشتی « در مهر » ساخته و بر پا شده است و خدمت بزرگی به یگانگی و بقای فرهنگ زرتشتی در خارج از ایران و هند انجام داده است .
در هندوستان زرتشتیان با نام پارسی، از پیشگامان و بنیاد گزاران صنعت ، تجارت ، بانکداری ، کشتی سازی ، بیمارستان های مدرن و مدارس عالی هستند . هواپیمایی تجارتي هند (ایرایندیا) ، نخستین کارخانه ذوب آهن در جمشید پور ، نخستین شرکت کشتی سازی هند ، و نخستین کارخانه نساجی هند متعلق به پارسیان است . عده ای از نخبه ترین ، قضات ، سفیران ، مدیران ، پژوهشگران و افسران هند پارسی بوده و هستند . پدر انرژی اتمی هند یکنفر پارسی است . فرماندهان نیروهای مختلف هند، از پارسیان بودند و تنها مارشال هند و فاتح جنگ هند و پاکستان، يك تن پارسی است . در پاکستان هم زرتشتیان به مقام وزارت و سفارت رسیده اند .

در ایران نیز زرتشتیان با وجود کمی عده ، در دوران پهلوی، در آبادانی و سازندگی ایران سهم مهمی به عهده گرفتند . نخستین بانکدار مدرن، موسس آبیاری نوین و پدر شهرسازی نوین در ایران زرتشتی بودند . در شماری از شهرها ، زرتشتیان اولین کارخانه برق و تلفن را دایر کردند . مدارس زرتشتیان در تهران ، یزد و کرمان از برجسته ترین مدارس بوده و زمانی تعداد مدارس زرتشتیان در یزد از شمار مدارس دولتی ، بیشتر بود .

سهم زرتشتیان در فرهنگ و بهداشت ایران - به نسبت جمعیت - بر اکثریت فزونی داشت . در بین زرتشتیان ایران بی سواد نبودند و زرتشتیان - به نسبت جمعیت - بیشترین شمار پزشک ، مهندس و استاد دانشگاه را به میهن خود ایران دادند . نخستین غیر مسلمانان ایرانی که به مقام معاونت نخست وزیری ، معاونت وزارت ، سپهبدی و ریاست دانشگاهی رسیدند ، زرتشتی بودند .

در آمریکا و کانادا عده ای از زرتشتیان و پارسیان در دانشگاه های معتبر به کار آموزش و پژوهش ، سرگرمند و یکی از رهبرهای بزرگ ارکستر فیلارمونیک آمریکا پارسی است . با وجود ویژگی های اخلاقی ، اجتماعی و قومی مشترک زرتشتیان در اجتماع پارسیان هند و زرتشتیان ایران - که سازندگی ، کوشش ، پرکاری ، ابتکار درستی و دشمنی ، از جمله آن هاست - بیشتر خارجی هایی که درباره پارسیان گزارش داده اند ، فکرشان متوجه ثروت و دشمنی آنان بوده و روش دخمه و احترام به آتش را هم هیجان آمیز دانسته اند . ولی به سایر توفیقات و برجستگی های زرتشتیان کمتر اشاره کرده اند .

مثلاً کمتر کسی در خارج از هند و ایران از سهمی که پارسیان در تحصیل استقلال هند داشته اند و یا سهم زرتشتیان در انقلاب مشروطیت ایران آگاه است . سه رئیس کنگره هند ، درنخستین بیست ساله مبارزه آزادی طلبانه بر علیه امپراطوری انگلستان، پارسی بودند . پارسیان دوش به دوش گاندی ، نهرو و سایر رهبران هند ، برای آزادی آن کشور مبارزه کردند . نخستین کس در انگلستان به نمایندگی مجلس عوام انتخاب شد (از حزب لیبرال) يك تن پارسی بود . در انقلاب مشروطه ایران زرتشتیان فعال بودند و کشته دادند !

موفقیت های زرتشتیان ، انعکاس معتقدات و باورهای آنان در الگوهای رفتاریشان است . وفاداری ، درستی ، پرکاری ، شجاعت و سازندگی اجزاء تفکیک ناپذیر تعالیم زرتشت است .
پرفسور جکسن استاد دانشگاه کلمبیا ، درباره ایرانیان باستان (زرتشتی) می نویسد : ایرانیان تحت باورهای دینی شان ، دارای فروزه هایی هستند که در سازندگی کوشش و ارزش های علمی جلوه گر می شود .

بدون شك ، زرتشتیان امروز نیز از همان ویژگی ها بهره دارند . بررسی درباره این که چرا و چگونه زرتشتیان در هر کجا بوده هستند ، توانسته اند تا این اندازه موفق باشند ، پژوهشگر را به بررسی درباره خصوصیات دینی زرتشت می رساند . ارتباط بین باورهای عقیدتی و الگوهای رفتاری غیر قابل انکار است . اندیشه ، گفتار و کردار زرتشتیان نیز از آبشخور عقیدتی آنان سیراب شده و شکل می گیرد . چنین تحقیقی بینش بیشتر درباره راز بقای قوم زرتشتی را در طول دست کم چهل قرن به دست می دهد .
از مسائلی که پس از مهاجرت های سی سال اخیر ، فکر رهبران زرتشتی را به خود معطوف داشته است ، مسأله بقا است . در ارتباط با این مسأله ، موضوعاتی از قبیل پذیرش به دین به صورت حاد مطرح است . برای زرتشتیان نگرانی « بقا » نباید وجود داشته باشد به شرط آنکه طبق اصول گات ها عمل کنند . در گات ها ، پذیرش دین يك امر شخصی است و مبنی بر اختیار است . هر کس می تواند با رایزنی اندیشه نیک و پذیرش اشا به دین زرتشتی در آید . قبول عقیده ی خاص ، تأیید دیگری را نمی خواهد . بنابراین هر کس می تواند اگر بخواهد و اگر راه اشا را انتخاب کند ، زرتشتی باشد .

پذیرش فرد زرتشتی شده در داخل انجمن های زرتشتی ، يك امر اجتماعی و مربوط به کسانی است که آن انجمن ها را تشکیل داده و با رأی اکثریت اعضا ، آن را اداره می کنند . پس اگر تازه زرتشتی شده ای را انجمنی نپذیرد ، در زرتشتی بودن آن فرد تأثیری نمی کند . او زرتشتی است . تازه زرتشتیان می توانند برای خودشان انجمنی درست کنند . در بعضی از شهرهای امریکا ، دو یا سه انجمن زرتشتی ، تشکیل شده است . تعداد انجمن ها ، اگر به وحدت و یگانگی زرتشتیان زبان وارد کند ، قابل قبول نیست .
همه زرتشتیان و همه کسانی که به گات ها باورهای زرتشتی وفا دارند ، باید به گفته گات ها در انجمن برادری و دوستی با هم همکاری کنند . داوطلب پذیرش دین ، باید با قبول معنویت دین ، طالب آن باشد نه این که به خاطر جلب منفعت مادی و یا به خاطر ازدواج و مانند آن زرتشتی شود . قبول معنویت اصل است .

فردا

دین زرتشتی دینی است که با پیشرفت و نوگرایی (مدرنیسم) سازگار است . مقررات و قواعد دست و پاگیر و قهقراپی ، در دین نیست . دین زرتشتی دین جهانی است در دین زرتشت ، امری نهی غالباً کلی است نه موردی . دستور رعایت سلامت و بهداشت تن و روان کلی است . مسائل موردی ، مثل روزه گرفتن از طلوع تا غروب آفتاب (که از لحاظ عملی در بعضی نقاط جغرافیایی مثلاً قطب شمال یا جنوب ایجاد اشکال می کند) در دین زرتشتی نیست . در عین حال سنت زرتشتی بر این است که زرتشتیان در ماه دست کم زرتشتی چهار روز گوشت نمی خورند . بعضی هم اساساً سبزیخوارند . این خوبی دین است . همان گونه که می دانیم روزه گرفتن از طلوع تا غروب آفتاب در نقاطی مثل قطب شمال یا جنوب ایجاد اشکال می کند . یا الزام به خوردن گوشت حیوانی که به ترتیب خاص ذبح شده باشد ممکن است از جهت علمی قابل توجیه نباشد و فقط يك سنت مذهبی باشد .

تعطیل يك روز معین در هفته (روزی که به باور پیروان مذهبی ، خدا استراحت کرد و ممکن است در کشورها جمعه ، شنبه یا یکشنبه باشد) در دین زرتشتی نیست . بنابر این ، زرتشتیان در هر کشوری باشند ، می توانند به اقتضای وضع آن کشور ، یکی از این روزها را تعطیل کنند بدون آن که بر خلاف مذهبشان کاری کرده باشند

مسأله آدم و حوا در دین زرتشتی نیست . بنابراین ، جنگی بین طرفداران نظریه تکامل و طرفداران نظریه خلقت پیش نمی آید .

مسأله پرداخت مبلغ معینی به عنوان دینی به روحانیان ، یا هیچ مرجعی حکم نشده است . بنابراین ، زرتشتیان در هر کشوری ، با رعایت تصمیمات اقتصادی دولت که با توجه به الزامات تورم و توسعه گرفته می شود ، مالیات خود را می پردازند بدون آن که از مقررات دینی عدول کرده باشند و رعایت نظامات محیط زیست و حقوق بشر ، تساوی حقوق زن و مرد و عدم تبعیض مبنی بر نژاد و رنگ برای زرتشتیان ممکن است ، زیرا با اصول کلی گات ها سازگار است .

در کتاب مقدس زرتشتیان راجع به حقوق زن و یا سهم الارث او و فرزندان و مانند این ها ، احکامی وجود ندارد که عمل بر خلاف آنها ، مغایر دین باشد . بالاخره وفاداری نسبت به حکومت قانونی و دادگستر ، جزو سنت مذهبی زرتشتی است و مسایل مربوط به حکومت پیروان مذهب خاص بر اساس مذاهب پیش نمی آید . این قابلیت تطبیق با رعایت اصول کلی دین ، یکی از اسرار بقای جامعه زرتشتی است .

مشکل فوری زرتشتیان مهاجر ، قبول یا عدم قبول دیگران به دین نیست ، بلکه اطلاع خود زرتشتیان از ارزش های معنوی ، اخلاقی و اجتماعی زرتشتی است . مشکل فوری آزادی از خرافات و تحریفات دینی است که در طول زمان و در ارتباط با سایر ادیان و ایدئولوژی ها وارد دین زرتشتی شده است . زرتشتیان مهاجر باید با دانش دین مجهز شوند تا از روی ناآگاهی ، پیرو ادیان و ایدئولوژی های دیگر نشوند . با این ترتیب ، نگرانی نسبت به بقای زرتشتیان نخواهد بود . در مورد تشریفات دینی ، پاره ای از تشریفات دست و پاگیر و خرافاتی که وارد سنت شده است ، باید کنار گذاشته شود و یا با شرط روز تطبیق داده شود .

ولی مقررات و تشریفات هم وجود دارد که از لحاظ بقا و همبستگی زرتشتیان ، نهایت اهمیت را دارد و بی اعتنایی به آن ها متضمن تضعیف یگانگی در جامعه می شود . از آن جمله است ، مراسم سدره پوشی ، حفظ گهنبار ، و برپا داشتن جشن های مذهبی و ملی . این مراسم زیبایی شادی آفرین قسمتی از هویت ملی و مذهبی زرتشتیان است . حفظ گاهنمای ملی و دینی در کشورهای مقیم ، پیروی از تقویم و تاریخ دولتی و در عین حال به یاد داشتن تقویم ملی ، امکان پذیر است . همچنین ، آموزش زبان و ادب فارسی به جوانان تا آنجا که امکانات اجازه دهد ، از اسرار بقا و پایداری جامعه زرتشتی خواهد بود .

باشد که نسل جوان زرتشتی ، وارث فرهنگ کهن و ارزشمند مذهبی ایرانی بتواند مشعل پر فروغ دین را نگهداری کند و روشن تر به نسل آینده بسپارد .

باشد که با ریزنی منش نیک (وهمن) ، پیمودن راستی و داد (اشا) ، به کار بردن مهر و ایثار (آرمیتی) ، از چنان نیروی اهورایی (خشترا) ، برخوردار شوند که به رسایی (هانروتات) رسند و جاودان (امرتات) دست یابند .

درفش کویانی



<http://derafsh-kavivani.com/parsi/>